

پژوهشی علمی بر وجه تسمیه واژگان قرآنی کشتی (فُلک، سفینه، جاریه، ماخره)

سید حیدر شیرازی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۰

حسن آبین**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

یکی از راه‌های خداشناسی، دریاشناسی و امور متعلق به آن در صنعت حمل و نقل است. نقد و بررسی تکرار بیش از سی مورد از نام‌های مختلف کشتی در قرآن کریم، با کاربری‌های تجاری، مسافری، و چند منظوره؛ و واکاوی قسم خوردن خداوند به کشتی‌های شناور، از مهم‌ترین مباحث این پژوهش است. ظرفیت و کاربری محدودتر «سفینه» نسبت به «فُلک» باعث شده که این نوع کشتی در حد صید ماهی و یا صرفاً مسافری از آن یاد شود. نقش بادهای دریایی در حرکت، سکون، یا واژگونی کشتی‌ها، و نقش وصفی «مواخر» در رفت و آمد کشتی‌های بزرگ و غول پیکر (فُلک) به وسیله باد، و نصب دکل‌های بادبانی عظیم الجثه، تصویری زیبا از بزرگی و کوه‌آسا بودن این کشتی‌ها را در قرآن به نمایش گذاشته است.

کلیدواژگان: قرآن، فُلک، سفینه، دریا، کشتی، حمل و نقل، قسم.

Shiraz.he@yahoo.com

abynhassan@gmail.com

* عضو هیأت علمی گروه زبان عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (استادیار).

** عضو هیأت علمی گروه کشتی‌سازی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (استادیار).

نویسنده مسئول: سید حیدر شیرازی

مقدمه

دریا و کشتی از دیرباز مورد توجه بشر بوده، و نقش مهمی را در زندگی انسان ایفا می‌کرده است. نگاه توحیدی و معرفتی به این موضوع، به خصوص به سبک داستانی و در مجرای امور طبیعی، و نه آنچه ساخته و پرداخته بشر باشد، از اولویت‌های مباحث قرآنی است. مباحث بسیار مهم و کلیدی در حوزه دریا و متعلقاتش، از جمله صنعت کشتی‌سازی، حمل و نقل، و امثال آن وجود دارد که علاوه بر تقویت روحیه اعتقادی و معنوی، ظرفیت و بستر مناسبی برای بالندگی فکر و رشد علمی انسان است.

علامه طباطبائی در خصوص اهمیت دریا و کشتی، و مقایسه‌ای که از نظر ارزشی و کاربردی بین آن‌ها انجام می‌دهد در ذیل آیه ۳۲ سوره ابراهیم چنین نتیجه می‌گیرد: «در میان نعمت‌های دریایی، کشتی چشمگیرترین آن‌ها است، نه اینکه منحصر به آن باشد ... و نعمت کشتی چشمگیرتر است، هرچند که نعمت دریا بزرگ‌تر است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۸۴/۱۲). غیر از موارد عامی که از مزایا و نعمات کشتی در قرآن سخن گفته شده، حداقل زندگینامه سه تن از پیامبران و انبیاء الهی در قلمرو دریا و طوفان و کشتی در این زمینه نمایش داده شده است.

در این میان، نام‌های متفاوت کشتی در قرآن کریم، سؤال برانگیز و قابل تأمل است به خصوص اینکه به لحاظ جایگاه ویژه فصاحت و بلاغت قرآن کریم، هیچ واژه مترادفی از نظر مؤلفه‌های مفهومی اشتراک کامل ندارند بلکه در برخی از دلالت‌های مفهومی اختلافات جزئی و دقیق دارند که در اصطلاح به آن ترادف ناقص گفته می‌شود.

بر همین اساس واژگان قرآنی کشتی از این امر مستثنی نبوده و از نظر معنا تفاوت‌های دقیقی دارند. همچنین باید گفت علی‌رغم اینکه مترجمین در معادل‌یابی آن‌ها اغلب به لفظ کشتی بسنده کرده‌اند، با این حال با بررسی محتوایی و مفهومی و تطبیق برخی قواعد علمی، به نظر می‌آید که یافتن معادل‌های مناسب‌تر دور از دسترس نباشد.

افزون بر این، بررسی و شناخت تفاوت‌های فنی و مفهومی این واژگان بر غنای معرفتی و اهمیت کاربردی آن در قرآن می‌افزاید.

پیشینه و فرضیه تحقیق

در پیشینه این تحقیق، تا آنجا که جست‌وجو کردیم، پژوهشی به چشم نمی‌آید که به تفاوت‌های کاربردی و مفهومی واژگان قرآنی کشتی پرداخته باشد جز اینکه برخی تفاسیر از نگاه لغت‌شناسان به ترجمه و تعریف لغوی اکتفاء نموده‌اند. ضرورت این بحث زمانی قوت می‌یابد که فرضیه اصول شناوری در وجه تسمیه کشتی به «جاریه» و حرکت دورانی در وجه تسمیه کشتی به «فُلک» و اصول بادبانی در وجه تسمیه کشتی‌ها به «ماخره» و «جواری»، تطبیق علمی یابد و بر طبق سبک و سیاق آیات تفاوت‌های کاربردی کشتی‌ها با نام‌های مختلف در قرآن مورد مذاقه قرار گیرد. بنابراین بررسی تحلیلی و کاربردی نام‌های متفاوت کشتی در قرآن (فُلک، جاریه، سفینه، ماخره) به شرح زیر به کنکاش گذاشته می‌شود.

واژگان قرآنی کشتی

نگاه تأمل برانگیز بر تعدد نام‌های قرآنی کشتی در چهار واژه «الفُلک»، «السفینه»، و «الجاریه»، و «الماخره» این نگاه را القاء می‌نماید که اختلاف و تعدد این نام‌ها بی‌حکمت نیست و هر یک ناظر به صفات و ویژگی‌های خاصی از کشتی است که در صورت جایگزین نمودن آن‌ها با یکدیگر در سیاق آیات، اهداف و پیام‌های آن به درستی منتقل نخواهد شد. تعدد و هدفمندی این پیام‌ها در کاربرد سه نام مختلف کشتی (فُلک، سفینه، جاریه) در داستان نوح(ع) به خوبی نمایان است؛ همچنانکه انحصار استفاده از نام «سفینه» و تکرار آن در داستان موسی و خضر، نشان از پیامی خاص دارد. با این مقدمه ضرورت بحث در کاربرد، مفهوم، و اصول علمی این واژگان بیشتر لمس می‌شود که در ادامه بحث به آن پرداخته می‌شود.

۱. الفُلک

این واژه بیست و سه بار در قرآن کریم استعمال شده، که هشت مورد آن درباره داستان نوح(ع)؛ و یک مورد درباره یونس(ع) و چهارده مورد آن عام و درباره مزیت و اهمیت بهره‌برداری از کشتی است. از نظر جمع یا مفرد بودن این واژه باید گفت که

«فُلْک هم به یک کشتی اطلاق می‌شود و هم به معنای جمع آن (کشتی‌ها)» (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۴۵) و در قرآن کریم در هر دو معنا به کار رفته است مثل:

﴿وَاصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّینَا﴾ (هود / ۳۷)

که راجع به کشتی نوح (ع) است و

﴿وَتَرَى الْفُلْکَ مَوَخِرٍ فِیْهِ﴾ (نحل / ۱۴)

که راجع به همه کشتی‌ها است. چند موضوع درباره وجه تسمیه کشتی به «فُلْک» قابل نقد و بررسی است، که مهم‌ترین آن‌ها در موارد ذیل خلاصه می‌گردد.

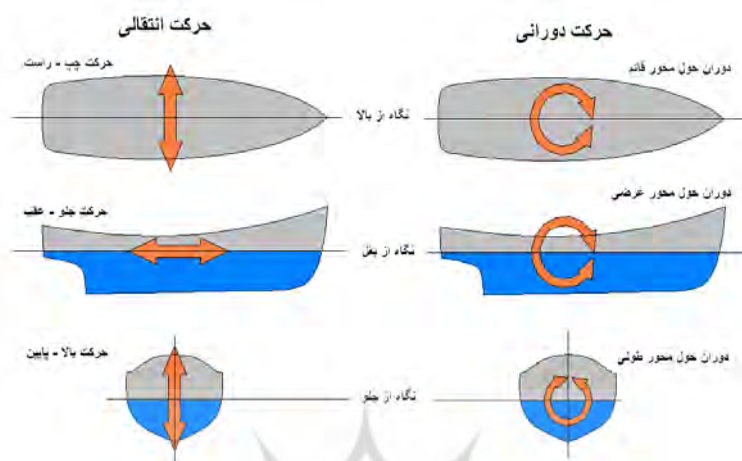
أ. مفهوم‌شناسی فُلْک

اصل واژه «فُلْک» در نزد لغت‌شناسان «دور و گردیدن» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۹/۱). طریحی صاحب «مجمع البحرین» وجه تسمیه فُلْک را در «دائره‌ای شکل بودن» خلاصه می‌نماید (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۸۵/۵). همچنانکه به «اعتبار گردی و گنبدی شکل بودن یا حرکت دورانی آسمان، فُلْک گفته می‌شود. و فُلْک اسمی خاص [در لغت] برای دَوْران وضع شده است» (فراهیدی، بی تا: ۳۷۴/۵). دوران بر وزن فَعْلان معنای حرکت را افاده می‌کند و بر همین اساس «به حرکت و چرخش دایره‌ای شکل امواج دریا فُلْک اطلاق می‌شود» (ابن منظور، بی تا: ۴۷۸/۱۰). راعب در علت نامگذاری کشتی به فُلْک موضوع حرکت دورانی را مطرح کرده، و می‌گوید: «وجه تسمیه کشتی به فُلْک به خاطر حرکت دورانی آن است» (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۴۵). بنابراین طبق آنچه نزد لغت‌شناسان معروف است، در واژه فُلْک مؤلفه حرکت و دایره‌ای شکل بودن مطرح است که از نظر فنی در بحث بعدی به آن پرداخته می‌گردد.

ب. حرکت دورانی فُلْک

حرکت دورانی کشتی در سازه کشتی از نظر فنی و مهندسی اهمیت ویژه‌ای دارد. در علوم مهندسی کشتی سازی حرکت کشتی را به شش درجه آزادی تقسیم‌بندی می‌کنند که حرکت چپ - راست، جلو - عقب و بالا - پایین را حرکت‌های انتقالی و دوران حول محورهای قائم، عرضی و طولی را حرکت‌های دورانی می‌گویند.

در تصاویر زیر این حرکتهای انتقالی و دورانی به وضوح دیده می‌شود.



شکل (۱)

حرکتهای انتقالی و دورانی کشتی در شش درجه آزادی (نسخه بر خط، wiki.marin.nl)

همانطور که می‌دانیم کشتی در اثر امواج و بادهای ناملاّیم از پهلو به حالت کج درآمده و در اثر نیروی ارشمیدس به حالت اولیّه و پایدار برمی‌گردد، و این نیز از رفتارهای سیال است که خداوند در آن نهاده است. امواجی که از جلو یا عقب کشتی می‌آیند موجب نوسان و دوران کشتی حول محور عرضی شده و سینه کشتی این امواج را شکافته و به جلو حرکت می‌کند. به طور کلی موج در دریا و به ویژه در دریای متلاطم از هر جهت به کشتی حمله کرده و کشتی را وادار به دوران در جهات طولی، عرضی و قائم می‌نماید.

ج. ابعاد کاربری و بهره‌وری فُلک

از نظر کاربرد و نوع بهره‌برداری - طبق آنچه از کاربرد این واژه و سیاق آیات برمی‌آید - باید گفت که «فُلک» به آن دسته از کشتی یا کشتی‌های مسافرتی، تجاری، و غیره اطلاق می‌شود که معمولاً از تجهیزات کامل برخوردار بوده، و به لحاظ نوع بهره‌برداری، عام و کاملاً صنعتی و پیشرفته است بر خلاف «سفینه» که کوچک‌تر و در حدّ کشتی مسافرتی و یا صید ماهی است. در واقع جایی که تجهیز کامل، بارگیری، و حجم زیاد

مسافر و کالا مطرح است از تعبیر فلک استفاده شده است. همچنان که مفهوم «فلک» به لحاظ عظیم و غول پیکر بودن، تناسب راهاندازی در دریاها و بزرگ و اقیانوس‌های عمیق و پر تلاطم را دارد.

یکی از قرینه‌ها و دلالت‌های لفظی قرآن کریم که کمک می‌کند تا در حوزه کشتی، و کشتیرانی نوع کاربرد و بهره‌برداری «فلک» مشخص شود، همراه شدن افعالی چون «اصنع»، و «یصنع»؛ «جرین»، و «تجری» با «فلک» در سیاق آیات است، که این موضوع با توجه به معنی، و قواعد صرفی و نحوی، و با نگاه بلاغی، مفاهیم خاصی را درباره نوع کارکرد و بهره‌برداری کشتی را به مخاطب القاء می‌کند.

از نام‌های دیگر کشتی در قرآن، که بعداً با تفصیل بیش‌تری خواهد آمد، واژه «جاریه» از ریشه «جَرَى» است. این واژه به صورت «فعل ماضی، و مضارع» در نه مورد برای حرکت و جریان کشتی به کار رفته است، که دو مورد آن متعدی به حرف جر «ب» و در صیغه جمع مؤنث سالم: ﴿وَجَرَيْنَ بِهِمْ﴾ (یونس/۲۲) و صیغه مفرد مؤنث: ﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ﴾ (هود/۴۲) به کار رفته و هفت مورد دیگر آن، لازم و در صیغه مفرد مؤنث استعمال شده است مانند آیه: ﴿وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ﴾ (الحج/۶۵) که البته با توجه به نوع کاربرد فعل از نظر «إفراء، و جمع»، «تذکیر و تأنیث»، و «لازم و متعدی» دلالت‌های مختلفی در انواع کشتی به نام «فلک» دارد و این موضوعی است که در ادامه بحث با تفصیل بیش‌تری خواهد آمد.

د. «فلک» و کشتی‌های مسافربری

اگر «فلک» با فعل جمع مؤنث (جرین) همراه شود و متعدی به حرف جر «ب» باشد دلالت بر این دارد که حجم جانداران به خصوص مسافرین ذوی العقول در کشتی بیش از حجم کالا است، در این حالت است که «فلک» اصطلاحاً عنوان کشتی مسافربری را دارد. این قاعده، یک نکته بلاغی دارد که برخی لغت‌شناسان درباره آن گفته‌اند: «نسبت دادن جمع مؤنث سالم به «فلک» به دلیل غلبه حمل جانداران ذوی العقول در کشتی است» (مصطفوی، بی تا: ۷۷/۲) و شاهد مثال آن این آیه از قرآن کریم است که مخاطب عام دارد:

﴿حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِّ وَجَرَّيْنَهُمَا يُرِيحُ طَيْبَةً﴾ (یونس/۲۲)

صاحب «مجمع البیان» نیز این نوع فلک را حمل بر کشتی مسافربری نموده و «خطاب آیه را به مسافرین کشتی اختصاص داده است» (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۴/۵). البته سیاق و قرینه‌های دیگری در این آیه وجود دارد، که فرضیه مسافرتی بودن کشتی را در «فُلک» قوت بخشیده، آن را قطعی می‌نماید. از جمله این قرینه‌ها وجود ضمیرهای عاقل در همین آیه به صورت جمع مخاطب و غائب و متکلم در عبارت‌های «يُسَيِّرُكُمْ»، «كُنْتُمْ»، «جَاءَهُمْ»، «ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَا اللَّهُ مَخْلُصِينَ»، «أَنْجَيْتَنَا»، و «لَنَكُونَنَّ» می‌باشد که بر این موضوع تأکید دارد که مراد از «فُلک» در اینجا وجود اغلبیت مسافرین و ذوی العقول در کشتی هستند.

آیه دیگری که بر این موضوع تأکید دارد آیه شریفه:

﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ﴾ (هود/۴۲)

است که حرف جر «ب» و اتصال به ضمیر جمع عاقل «هُمْ» دلالت و تأکید بر حمل مسافرین در کشتی دارد با این تفاوت که در صیغه جمع «جَرَّيْنَهُمَا» وجه اختصاصی آن مطرح است ولی در «تَجْرِي بِهِمْ» بر وجه تأکیدی وجود مسافرین دلالت دارد. از قرینه‌های دیگری که دلالت بر ظرفیت مسافرتی بودن کشتی دارد، همراه شدن «فُلک» با افعالی است که دلالت بر سوار شدن دارد، افعالی مانند: «تَرَكُّبُونَ»، «زَكَبُوا»، و «ارْكَبُوا» و امثال آن، که در بحث کشتی‌های چند منظوره توضیح داده خواهد شد.

هـ. «فُلک» و کشتی‌های تجاری

اگر «فُلک» همراه با فعل لازم و مفرد مؤنث «تجری» باشد، در این صورت به لحاظ غلبه حمل کالا بر انسان، اطلاق نام کشتی تجاری بر آن مناسب‌تر است، چون فعل مفرد مؤنث، هم برای جمع مکسر غیر عاقل استعمال می‌شود و هم برای مفرد مؤنث عاقل یا غیر عاقل، لذا غلبه حمل کالاهای تجاری بر حمل انسان در واژه «فُلک» نمود بیش‌تری دارد؛ به خصوص اینکه قرینه‌های لفظی آیه دلالت بر منافع اقتصادی داشته باشد، مانند این آیه:

﴿وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ﴾ (بقره/۱۶۴)

و یا مانند این آیه:

﴿رَبُّكُمُ الَّذِي يُرِيكُمُ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾ (الإسراء/۶۶)

و البته این تجارت اعم از تجارت فرآورده‌های دریائی و یا غیر دریائی است.

و. «فَلَك» و صنعت کشتی‌سازی

کشتی‌سازی یکی از زیبایی‌های است که از زمان‌های بسیار دور زمینه‌ساز باورهای اعتقادی بوده است. این مسأله آنقدر حائز اهمیت بوده که یکی از موارد الهام‌بخش بشر در حوزه صنعت به شمار می‌آید و به طور ویژه در چند جای از قرآن کریم اشاراتی به آن شده است. این صنعت اختصاصی به کشتی‌سازی ندارد بلکه صنایع دیگری هم در قرآن ذکر شده که هدف اصلی آن بُعد معرفتی و خدانشناسی است مانند آنچه که می‌توان از آن تعبیر به صنایع نظامی نمود: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ﴾ (الأنبياء/۸۰)، و یا به صنعت ریخته‌گری اشاره کرد که می‌فرماید: ﴿وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ﴾ (سبأ/۱۲)؛ یا اینکه از این آیه در صنایع ساختمان سازی نام برد: ﴿وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾ (شعراء/۱۲۹).

واژه صنعت، واژه‌ای عربی است که در کلام وحی از جمله در حوزه دریا به کار رفته است. صنعت در زبان وحی «به کاری اطلاق می‌شود که سه عنصر دانش، مهارت، دقت و کیفیت را داشته باشد» (مصطفوی، ۲۸۶/۶). نمونه کامل و بارز صنعتگری در قرآن کریم خداوند است که می‌فرماید: ﴿صَنَّ اللَّهُ الَّذِي آتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (النمل/۸۸). بحث صنعت و صنعتی شدن ساخت کشتی، برای اولین بار با فرمان الهی آغاز می‌شود. شاید قبل از آن، برخی اقوام و طوایف به تناسب نیاز معیشتی و اقتصادی خود به نمونه‌های ابتدائی از ساخت کشتی روی آورده باشند اما اینکه این فرایند در حوزه صنعت به آن مفهومی که در تعریف واژه صنعت، به آن اشاره شد نبوده است، لذا خداوند به صراحت دستور ساخت کشتی را تحت نظارت و کنترل مستمر خود می‌دهد. علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان» در تفسیر کلمه «بأعيننا» و «ووحینا» چنین می‌گوید: «مقصود از «أعيننا» در برابر چشمان ما به معنای محسوس آن نیست بلکه مقصود مراقبت و کنایه از نظارت مستمر است، و مراد از وحی در این آیه نیز، وحی لفظی و بیانی نیست بلکه مراد هدایت عملی به وسیله روح القدس است» (رک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۰/۳۳۵).

خداوند موضوع صنعتی شدن کشتی را در سه جای قرآن مطرح می‌کند که در هر سه مورد، صنعت، تنها به واژه «فُلک» تعلق داشته و تنها داستان نوح(ع) را به خود اختصاص داده است. در دو مورد، در خطاب به نوح دستور ساخت کشتی را می‌دهد:

﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا﴾ (هود/۳۷)

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا﴾ (المؤمنون/۲۷)

و در یک مورد تلاش مستمر و مداوم نوح بر ساخت کشتی را به نمایش می‌گذارد و می‌فرماید:

﴿وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ﴾ (هود/۳۸)

نکته قابل تأمل اینکه این نوع بیان، دلالت بر ساختار فنی و علمی و پیشرفته کشتی در ابعادی وسیع دارد که «بلندتر از طول یک زمین بازی فوتبال و اندازه آن به بزرگی یک ناو جنگی» می‌باشد (نسخه برخط، ghatreh.com/news) که البته ابعاد کشف شده از کشتی نوح نیز این امر را اثبات می‌کند. طبق اکتشافات بدست آمده، «اندازه کشتی نوح در کتاب مقدس ۳۰۰ ذراع یاد شده است. واحد ذراع در مصر قدیم در زمان حضرت موسی(ع) برابر با ۵۲.۷ سانتی متر بوده است. با محاسبه این رقم، عدد ۱۵۸.۴۶ متر به دست می‌آید. طول کشتی مورد کاوش توسط دو تیم مختلف در دو زمان اندازه‌گیری شد. رقم بدست آمده دقیقاً ۱۵۸.۴۶ متر را نشان می‌داد» (نسخه برخط، ghatreh.com/news).

مهم‌تر از این موضوع، مواد اولیه مورد نیاز طراحی و ساخت این کشتی صنعتی است که از آن تعبیر به تخته‌های متصل با هم به وسیله میخ‌ها یا نوارهای مخصوص ساخت کشتی شده است. «باستان شناسان توانستند طرح مشبکی حاصل از تقاطع تیرهای فلزی افقی و عمودی بکاررفته در بدنه کشتی بدست بیاورند. به نظر می‌رسد که برای هر چیزی طرح و الگویی وجود داشته است. وجود اتاق‌ها و فضاهای کوچک و بزرگ در طبقات مختلف، نظریه وجود طرح مهندسی پیشرفته را تأیید می‌کند» (همان). خداوند می‌فرماید: ﴿وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَحٍ وَدُسِّرِ﴾ (القمر/۱۳). تعبیر حمل نوح بر این تخته پاره‌ها و میخ‌ها - بدون اینکه ذکری از نام کشتی (فُلک) بشود - مخاطب را به این حقیقت سوق می‌دهد که اولاً نجات‌دهنده اصلی از طوفان‌های طبیعت، و جهل و غفلت، تنها خداوند

است هرچند بر پاره‌هایی از میخ و تخته باشد. ثانیاً کار نوح مونتاز کردن یعنی سر هم کردن لوازم و قطعاتی بوده که خود نقشی در تولید آن نداشته، بلکه این خداوند است که چوب را خلق کرده و یکی از خواص آن را شناور شدن بر روی آب قرار داده است که این موضوع در واکاوی وجه تسمیه کشتی به «جاریه» به تفصیل خواهد آمد.

ز. «فُلک» و کشتی‌های چند منظوره

از ویژگی‌های اختصاصی «فُلک» که در دیگر نام‌های کشتی مانند سفینه و جاریه و ماخره به چشم نمی‌آید، ظرفیت و کاربری چند منظوره کشتی است که در قرآن کریم از آن تعبیر به «فُلک مشحون» شده است. مشحون از «ماده» «شَحْن» به معنای پر کردن کشتی و مجهز کردن کامل آن از هر جهت است (ازهری، بی‌تا: ۱۰۹/۴)؛ و تعبیر مشحون به معنای پر و مجهز بودن «اشاره به این است که نه تنها خودشان بر کشتی سوار می‌شوند بلکه مال التجاره و وسائل مورد نیاز آن‌ها نیز با آن حمل و نقل می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۸) و به همین جهت به «بزرگ‌ترین کشتی‌ها» «شاحِن» گفته می‌شود (ابن عباد، المحيط فی اللغة: ۴۲۸/۲) و «شِحْنَة» آن مقدار از کالا و وسائلی است که بر کشتی و امثال آن بار می‌شود (موسی، بی‌تا: ۹۸۲/۲).
تعبیر «فُلک مشحون» درباره کشتی نوح به عنوان یک کشتی غول پیکر چند منظوره با ظرفیت حمل مسافرین، احشام، و آذوقه:

﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ (شعراء/۱۱۹)

و درباره کشتی یونس:

﴿إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات/۱۴۰)

همچنین با خطاب عام و مطلق کشتی:

﴿وَأَيُّ لِهْمًا أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ (یس/۴۱)

مطرح است.

سیاق و قرینه‌های لفظی آیات، چند منظوره بودن ظرفیت «فُلک» در قرآن کریم را قوت می‌بخشد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که «رُكُوب» (سوار شدن) و «حمل» (بارگیری) از ویژگی‌های بارز «فُلک» است که در سفینه دیده نمی‌شود.

در واقع واژه «فُلک» با دو نوع کاربری متفاوت یعنی «حمل» و «رکوب» آمده است که این موضوع برای «سفینه» منحصر در «رکوب» یعنی سوار شدن به کار رفته است. به عبارتی دیگر اصطلاح حمل فقط برای فُلک به کار رفته است و برای سفینه و جاریه چنین کاربردی در قرآن وجود ندارد به این دلیل که فُلک قابلیت بارگیری انسان و حیوان و کالا را یکجا با هم دارد. ولی اصطلاح رکوب هم برای فُلک و هم برای سفینه به کار رفته است و این بدان معنا است که هر دو نوع از کشتی یعنی فُلک و سفینه قابلیت مسافربری را دارند ولی فُلک ظرفیتی فراتر داشته و چند منظوره است.

«حمل» واژه‌ای است که در حوزه دریا دلالت بر حمل و نقل دریائی داشته و به معنای «برداشتن بار» (قاموس: ۱۸۱/۲) آمده است. در واقع «حمل» یک معنا دارد و برای هر چیزی به کار می‌رود» (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۵۷/۱)، «مادی باشد یا معنوی» (رک: مصطفوی، بی تا: ۲۸۵/۲) کالا باشد، انسان باشد یا حیوان، ولی آنچه که در قرآن در خصوص کشتی به کار رفته به لحاظ اهمیّت و ضرورت بحث گاهی برای مطلق انسان و گاهی برای حمل انسان و حیوان هم‌زمان استفاده شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَلَى الْفُلْكِ تَحْمَلُون﴾ (المؤمنون/۲۲) یعنی «و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید». همچنان که در این آیه خداوند می‌فرماید: ﴿قَلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُنَّ رَوْحِينَ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ﴾ (هود/۴۰) یعنی «ما به نوح دستور دادیم که از هر جنسی از اجناس حیوانات یک جفت یعنی یک نر و یک ماده سوار بر کشتی کن و اهل خود را». البته این کشتی غیر از حمل احشام و خانواده شخصی نوح، فرزندان یاران نوح نیز به طور اختصاصی مسافران این کشتی بوده‌اند:

﴿ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ﴾ (إسراء/۳)

﴿وَمِمَّنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ﴾ (مریم/۵۸)

همچنان که خود نوح نیز سوار بر این کشتی می‌شود:

﴿وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَلْوَابِ وَدُسْرٍ﴾ (القمر/۱۳)

و اما «رکوب» به معنای سوار شدن و استقرار یافتن در ۵ مورد از قرآن کریم به انواع کشتی از نوع فُلک و یا سفینه نسبت داده شده است، یکی در رابطه با سوار شدن مشرکین است که می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا الْفُلْكَ﴾ (عنکبوت/۶۵) و دیگری در رابطه با سوار شدن مسلمین است که از طرف نوح نسبت به مؤمنان سیاق دستوری داشته و

می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا﴾ (هود/۴۱)؛ مورد بعدی نیز در تلاطم دریای طوفانی است که نوح برای نجات فرزندش با تعبیری دلسوزانه و مهربانه از او می‌خواهد که همراه او و پیروانش سوار بر کشتی شود:

﴿يَا نُوحِ ارْكَبْ مَعَنَا﴾ (هود/۴۲)

همچنین در این آیه شریفه:

﴿وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ﴾ (الزخرف/۱۲)

که در کنار حمل و نقل زمینی (چارپایان) مفهومی عام از انواع کشتی‌های حمل و نقل دریائی، به ویژه در حوزه مسافربری دارد و شاید مهم‌ترین هدف آن یادآوری نعمت‌ها باشد. در داستان موسی و خضر نیز خداوند از سوار شدن آن دو نفر در کشتی از نوع سفینه خبر داده و می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَكِبُوا فِي السَّفِينَةِ﴾ (الکهف/۷۱)

۲. الجارية (کشتی شناور)

این واژه یکی دیگر از نام‌های کشتی در قرآن کریم است. استعمال لفظ مفرد این واژه تنها یک بار، آن هم درباره کشتی نوح (ع) هنگام طغیان آب به کار رفته است:

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَا كُفْرًا فِي الْجَارِيَةِ﴾ (الحاقه/۱۱)

این واژه در دو مورد نیز به صورت جمع مکسر «جواری» در تشبیه کشتی‌ها به کوه‌ها استعمال شده است مانند این آیه:

﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الرحمن/۲۴)

و آیه:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الشوری/۲۲)

و یک مورد هم به صورت جمع مؤنث «جاریات» در حالت قسم به کار رفته است مانند:

﴿فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا﴾ (الذاریات/۳)

در وجه تسمیه کشتی به نام «جاریه» ویژگی‌های خاصی نهفته است که در ادامه بحث به آن اشاره می‌شود.

أ. مفهوم‌شناسی جاریه

اصل این واژه از مصدر «جَرَى» به فتح جیم، به معنای جریان و حرکت است، و «کشتی به اعتبار جریان و حرکتش روی آب، «جاریه» نامیده می‌شود» (طریحی، ۱۳۷۵: ۸۳/۱). از لحاظ مفهومی این واژه در لغت به معنای کشتی روان یا رونده است، ولی از نظر علمی و یا کاربردی معادلی که برای این واژه به نظر مناسب می‌رسد به طوری که این نام را از دیگر نام‌های کشتی در قرآن متمایز سازد اصطلاح «کشتی شناور» است. کشتی شناور مفهومی عام داشته و انواع مختلف قایق‌ها، کشتی‌ها، ناوها و غیره را مانند شناورهای تفریحی، ماهیگیری، نظامی، بارکش، و غیره را شامل می‌شود. همچنان که جریان و شناور بودن بر همه گونه از آب‌های آزاد، اقیانوس‌ها، دریاها و یا رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و مانند آن را در بر می‌گیرد.

در لغتنامه‌های فارسی، کلمه شناور به «ویژگی آنچه روی آب شنا می‌کند، و ویژگی چیزی که روی آب حرکت می‌کند» (فرهنگ عمید، ۱۳۸۹: ۷۱۰) و به عنوان «وسیله‌هایی برای جابه‌جایی افراد، یا کالا بر روی آب یا زیر آن» (نسخه برخط، persianacademy.ir/fa/word) تعریف شده است. اصطلاح شناور با رویکرد علمی از مهم‌ترین ابعاد کاربردی کشتی (جاریه) به شمار می‌آید. مترجمین فارسی زبان قرآن نام «جاریه» را اغلب به «کشتی» ترجمه کرده‌اند، ولی برخی مترجمین صفت «رونده»، یا «روان» را بر آن افزوده‌اند (رک: خوجوی، ۱۴۱۰: ۲۲۷؛ رضایی، ۱۳۸۳؛ سراج، بی‌تا؛ انصاری، ۱۳۳۷: ۵۶۷/۱؛ دهلوی، ۱۴۱۷: ۱۲۸۹/۱) و این معنا به شناور نزدیک‌تر است. واژه جاریه در معنای اصطلاحی شناور از مؤلفه‌ای علمی برخوردار است که بررسی آن در ادامه بحث ضروری به نظر می‌آید.

ب. اصول شناوری «جاریه» و وجه قسم به «جاریات»

در واقع وجه تسمیه کشتی به «جاریه» (شناور) در قرآن کریم، مبتنی بر چند اصل علمی فیزیک استوار است. وجه تسمیه کشتی به «جاریه» اشاره به حرکت کشتی دارد و لازمه «حرکت» کشتی، «شناور» بودن آن است. ساخت کشتی و شناور بودن آن بر اصول علمی من جمله اصل شناورسازی ارشمیدس، نیروی گرانش و خواص فیزیکی سیال از

جمله خاصیت چگالی آب استوار است. اصولاً شناور بودن بدون در نظر گرفتن این اصول علمی امکان پذیر نمی باشد. بنابراین وقتی که قرآن صحبت از طغیان آب می کند از عنوان «جاریه» به معنی شناور بودن برای کشتی نوح استفاده می شود؛ در حالی که اگر در چنین شرایطی از لفظ «فلک» یا «سفینه» استفاده می شد این معنای علمی را افاده نمی کرد. بر اساس نظریات علمی در صنعت کشتی سازی، کشتی ها در اقیانوس های پهناور و طوفانی، و با طول موج های بلند می بایست غول پیکر و پهناور باشند تا بتوانند این موج ها را تحمل کنند. آنچه که در این خصوص مهم است پایه قوانین علمی اصول شناور بودن کشتی در آب می باشد، که یکی از این قوانین قانون ارشمیدس است.

طبق قانون ارشمیدس اگر در استخر لبریز از آب، قایقی را بگذاریم، وزن قایق برابر وزن آب سرریز شده از همان استخر خواهد بود. به عبارت دیگر برای هر جسم در داخل هر سیالی مثل آب، نیرویی به اندازه وزن سیال جابه جا شده به سمت بالا وارد شده و باعث سبک تر شدن آن می شود. نیروی ارشمیدس همیشه رو به بالا بوده و با نیروی جاذبه زمین (گرانش) مقابله می کند. میزان فروروی جسم در داخل سیال به وزن جسم، حجم جسم و چگالی سیال بستگی دارد.

یکی دیگر از خواص فیزیکی که در شناور بودن کشتی اثرگذار است خاصیت فیزیکی چگالی آب است. چگالی آب که به نسبت وزن به حجم آن گفته می شود نسبت به چگالی چوب (در اغلب موارد) بیش تر و نسبت به چگالی آهن خیلی کم تر می باشد. اما حجم دهی به همان آهن سنگین تر از آب، باعث کم شدن چگالی کشتی نسبت به آب شده و منجر به شناور ماندن آن می شود. بر اساس این تفسیر علمی، کشتی را می توان از هر نوع و جنسی مانند چوب، آهن و غیره، و هر حجمی و وزنی در نظر گرفت به صورتی که شناور بودن خود را حفظ کرده و غرق نشود. همچنان که مواد اصلی ساخت کشتی نوح از چوب بوده و خداوند تعبیر «ذات ألواح و دُسر» را برای آن دارد.

نکته مهم اینکه نام «جاریه» فقط یک بار در داستان نوح به کار رفته است، در حالی که در همین داستان، نام «فلک» هشت بار تکرار شده است. پاسخ چرایی این مسأله را در ابعاد علمی واژه «جاریه» باید جست و جو کرد به ویژه اینکه سیاق آیه ای که واژه «جاریه» در آن قرار گرفته است، موضوع علمی بودنش را قوت می بخشد. وقتی سخن از

صنعت، ساخت، حمل کالا و مسافر، و تجهیز کامل مطرح است از نام «فُلک» برای کشتی استفاده شده است اما زمانی که سخن از طغیان، تلاطم، و طوفانی بودن دریا در میان است از نام «جاریه» برای اثبات حرکت و شناور بودن کشتی استفاده شده و خداوند فرموده است:

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَا كُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ (الحاقه/ ۱۱)

به نظر می‌آید که یکی از وجوه استعمال جاریه در آیه مذکور، تعظیم امر پروردگار در نجات نوح و پیروانش بر روی چند تخته پاره چوب بهم پیوسته (ذات ألواح ودُسُر) باشد که در اوج طغیان و خشم و غضب خدا در طوفانی شدن دریا بر روی آب، کشتی، روان و شناور مانده و بدون اینکه غرق شود به امر خدا به ساحل نجات می‌رسد.

به لحاظ همین عظمت و اهمیت موضوع، خداوند به کشتی‌های شناور که به آسانی بر روی آب جریان می‌یابند قسم یاد کرده و فرموده است: ﴿فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا﴾ (الذاریات/ ۳). از بین نام‌های کشتی در قرآن کریم تنها به واژه «جاریات» (جمع مؤنث جاریه) قسم یاد شده است که شامل انواع مختلف کشتی‌ها اعم از فلک، سفینه، جاریه، ماخره و غیره می‌شود. اما اینکه چرا در مقسم علیه از جمع مؤنث عاقل «جاریات» به جای جمع مکسر «جواری» استفاده شده است باید گفت که عظمت و اهمیت «جاریات» - نسبت به جواری - که در جایگاه مقسم علیه قرار گرفته بیش‌تر است. چون در جاریات علاوه بر خواص فیزیکی و علمی اجسام و آب، اهمیت سرنشینان ذوی العقول که از طرف خداوند، کشتی مسخر آن‌ها گردیده نیز مطرح است.

ج. ابعاد کاربری و بهره‌وری «جاریه» و «جواری»

آنچه در خصوص نام «جاریه» نسبت به نام‌های دیگر کشتی در قرآن قابل تأمل بوده این است که فُلک و سفینه می‌توانند برای مسافری و صید ماهی به کار روند ولی در جاریه فقط خواص فیزیکی و شناوری آن مطرح است و مفهومی عام دارد به طوری که هر نوع کشتی مسافری، صیادی، نفتکش، جنگی و غیره را در هر نوع از آب‌ها را شامل می‌شود. در قرآن کریم گاهی برای بیان بهتر و دقیق‌تر عظمت، بزرگی، هدایت‌گری و ثبات برخی کشتی‌ها در دریا از تشبیه آن‌ها به کوه‌ها بهره گرفته و فرموده است:

«كَالْأَعْلَامِ» (الرحمن/۲۴) و «كلمه «أعلام» جمع «علم» به معنای علامت است. و کوه را (از آن جهت که علامت راه‌ها است) علم می‌گویند، و اگر کشتی را به کوه تشبیه کرده به منظور افاده بزرگی آن بوده است» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸۸/۱۸). البته شکل هندسی کوه‌ها نیز بی‌تأثیر بر این تشبیه نیست چون به نظر می‌آید که در کشتی‌هایی که به وسیله باد به حرکت در می‌آید، دکل‌های بزرگ بادبانی همچون علم‌های بزرگی است که برافراشته شده و موجب هدایت و حرکت کشتی به سمت مقصد می‌شود. در این تشبیه از جمع «جاریه» یعنی «جواری» استفاده شده و «جواری» (شناورها) در دو مورد از قرآن کریم به کار رفته است: یکی مربوط به شناورهای بسیار بزرگ و غول پیکر ساخته دست بشر است که خداوند به لحاظ خواص علمی و فیزیکی آب و اجسام، آن را به خود نسبت داده و فرموده است:

﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الرحمن/۲۴)

و دیگری مربوط به کشتی‌های بزرگ و غول پیکر و سهمگینی است که فقط به لحاظ شناور بودن و خواص علمی و فیزیکی آن و نه به لحاظ دخالت دست و فکر بشر در قرآن از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند به شمار آمده است، مانند این آیه شریفه:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الشوری/۳۲)

۳. السفينة

«اصل آن «سَفَن» یعنی تراشیدن. مثل تراشیدن چوب و پوست و تراشیدن باد خاک روی زمین را» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۱۳). راغب گوید: «کشتی را به اعتبار آنکه سطح آب را می‌تراشد سفینه گفته‌اند» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۱۴). این کلمه چهار بار در قرآن کریم آمده است. سه مورد آن در سوره کهف آیات ۷۱ و ۷۹ درباره آن کشتی است که موسی و خضر سوار شدند، و یک مورد آن در سوره عنکبوت آیه ۱۵ بوده که ظاهراً مراد کشتی نوح است. در «التحقیق» آمده که اصل این واژه «حرکت همراه با کنار زدن و تراشیدن است» (مصطفوی، بی‌تا: ۱۴۵/۵).

نکته قابل توجه در نوع بهره‌وری و کاربری «سفینه» اینکه این نام با توجه به همراه شدن فعل «رکبا» در آیه: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ﴾ (الکهف/۷۱) و نسبت دادن اصحاب به

سفینه در آیه: ﴿وَأَصْحَابُ السَّفِينَةِ﴾ (العنکبوت/۱۵) و عدم نسبت دادن فعل «حمل» به واژه «سفینه» - بر خلاف آنچه در فُلک گذشت - این نام دلالت بر کشتی مسافربری دارد و معمولاً زمانی استعمال می‌شود که مقصود از آن افراد آن باشد؛ همچنان که از همین منظر در تشبیه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیتش (ع) به کشتی نوح از واژه «سفینه» استفاده شده و نه واژه «فُلک». پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «إنما مثلی ومثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجا ومن تخلف عنها غرق» (امینی، ۱۳۹۷: ۸۱/۳) یعنی «مثل من و اهل بیت من مانند کشتی نوح (سفینه) است هر کس بر آن سوار شود نجات یافته و هر کس از آن عقب بیفتد غرق می‌شود» و فرموده‌اند: «نحن سفینة النجاة» (امینی، ۱۳۹۷: ۳۰۰/۲) و فعلی که در روایات برای «سفینه» به کار رفته است همان رکوب (سوار شدن) است و نه حمل (بارگیری) همچنان که در روایت قبلی گذشت و مانند این قول پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند: «من أحب أن یركب سفینة النجاة... فلیوال علیاً بعدی ولیعاد عدوه ولیأثر بالأئمة الهداة من ولده...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۴/۲۳).

از جهتی دیگر نام «سفینه» نسبت به «فُلک» بهره‌وری و کاربری محدودتری دارد. سفینه نوعی کشتی با کاربری محدود مسافربری و یا صید ماهی و امثال آن است، همچنان که سیاق آیه: ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ﴾ (کهف/۷۹) یعنی «اما کشتی مال افرادی مستمندی بود که در دریا با آن کار می‌کردند» دلالت بر این دارد که این نوع کشتی‌ها به لحاظ کاربری محدود، و ارزش کم مالی، صاحبان تهیدستی دارد. علاوه بر آن، کشتی اگر مثل فُلک، بزرگ و پیشرفته باشد، با سوراخ کردن، احتمال غرق شدن ندارد ولی در خصوص «سفینه» مشاهده می‌شود که خضر با سوراخ کردن کشتی می‌خواهد آن را معیوب نموده، و پادشاه غاصب را از تصاحب تنها سرمایه این تهیدستان منصرف کند.

۴. کشتی‌های بادبانی

یکی از نکات مهمی که درباره انواع کشتی‌ها مطرح است، تقسیم کشتی‌ها به بادبانی و غیر بادبانی است. سیاق آیات نشان می‌دهد که باد از عوامل مؤثر در حرکت و جریان کشتی‌ها بوده است. در قرون گذشته، کشتی‌ها با استفاده از بادبان، دکل و به کمک

نیروی باد حرکت می‌کردند. استفاده از بادبان‌ها در شناورهای تجاری و نظامی یک فناوری استراتژیک منظور می‌گردید و اهمیت آن تا سال ۱۸۶۰ ادامه داشت. پس از اختراع موتور بخار و بکارگیری آن در کشتی‌ها و پس از آن موتور دیزل، توربین گاز و انرژی هسته‌ای، استفاده از انرژی باد در کشتی‌ها به فراموشی سپرده شد؛ اما از سال ۱۹۸۰ با توجه به افزایش قیمت سوخت و همچنین تصویب قوانینی برای جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای از سوی سازمان‌های جهانی، سازندگان کشتی‌ها به فکر استفاده از انرژی پاک افتادند (خراشاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱). یکی از این انرژی‌های پاک که شاید در آینده به صورت فراگیر به صحنه عمل درآمد استفاده از نیروی باد در شناورها است. استفاده از انرژی باد می‌تواند هزینه‌های سوخت را روزانه برای دریانوردان به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. از نقاط قوت انرژی باد می‌توان به رایگان بودن، پایان ناپذیر بودن، داشتن میزان قدرت مناسب، و تجدیدپذیر بودن اشاره کرد. بنابراین بررسی انواع مختلف بادهای دریائی که در حرکت کشتی‌ها تأثیرگذار بوده و قرآن کریم بر آن تأکید داشته است اهمیت انرژی باد را دو چندان می‌کند (آبین و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

یکی از قرینه‌هایی که دلالت بر حرکت کشتی با عامل باد می‌باشد وصف کشتی‌ها (فُلُک) با واژه «مواخر» است. مفرد مواخر «ماخره» یکی از نام‌های کشتی در لغت عرب است. این واژه به صورت جمع «مَواخِر» در دو مورد از قرآن کریم آمده است:

﴿وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ﴾ (النحل/۱۴)

﴿وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ﴾ (فاطر/۱۲)

این واژه در لغت عرب به معنای «جریان یافتن کشتی به وسیله باد، و به معنای شکافتن آب همراه با صدای وزش باد» (رک: ابن منظور، بی تا: ۱۶۰/۵) به کار رفته است. همچنین به معنای «رفت و آمد کشتی به وسیله باد» (فراهیدی، بی تا: ۲۶۱/۴) تعریف شده است. در ترجمه‌های قرآنی اغلب معنای کشتی شکافنده استعمال شده است. و در فرهنگ ابجدی به «کشتی موج شکن» (فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵: ۷۶۹) برگردان شده است. به نظر می‌آید که معادل این واژه در اصطلاح علمی حمل و نقل دریائی، کشتی بادبانی باشد که با جریان باد، آب دریا را می‌شکافد و به جلو می‌رود. /زهری یکی از لغت‌شناسان عرب در قرن چهارم در کتاب «التهدیب»، بیت شعری را می‌آورد که در آن

این نوع کشتی‌ها (مواخر) به بادبان‌های برافراشته در وسط دریای خروشان وصف شده‌اند که چون از موج‌هایی بالا روند دوباره فرود آیند.

مَوَاخِرٌ فِي سَوَاءِ الْيَمِّ مُقْلَعَةٌ إِذَا عَلَوْا ظَهْرَ قَفٍّ ثُمَّتْ انْحَدَرُوا

(ازهری، بی تا: ۱۶۶/۱)

از دیگر مواردی که دلالت بر کشتی‌های بادبانی دارد، تشبیه «جواری» به «اعلام» است. اعلام جمع عَلم است و «علم به معنای نشانه و علامت است» (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۴/۵) راعب می گوید: «عَلم اثر و نشانه‌ای است که شیء با آن معلوم می‌شود مثل علم لشکر و علم طریق (نشانه راه) و کوه را به جهت معلوم بودنش علم گفته‌اند» (راغب اصفهانی، بی تا: ۵۸۱/۱). همچنین عَلم به «پرچم و آنچه که بر سر نیزه بندند ... و [یا] نقش و نگار جامه گویند» (فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵: ۶۲۲). یکی از وجوه تشبیه کشتی‌ها به اعلام (کوه‌ها) در قرآن کریم، ضمن در نظر گرفتن عظمت و بزرگی و ثبات، پرچم‌گونه و نشانه راه بودن است، چون اگر در این تشبیه به جای «اعلام»، از «جبال» استفاده می‌شد وجه شبه بین کشتی‌ها و کوه‌ها، در ثبات و عظمت و بزرگی خلاصه می‌شد، اما «اعلام» چون بر نشانه و پرچم دلالت دارد در نتیجه مقصود از «جواری» هر نوع کشتی بزرگ و یا کوچکی، با دکل‌های بادبانی (شبه پرچم‌های بر سر نیزه) می‌باشند که از دور چون کوهی بر افراشته می‌نمایند.

از موارد دیگری که دلالت بر حرکت کشتی‌ها (فُلک) با باد دارد، انواع بادهای دریایی است که در خصوص آنچه متعلق به کشتی‌ها است در اصطلاح قرآنی می‌توان از بادهای ملایم، ساکن، شکننده، و تندباد یاد کرد. آنجا که بادهای دریایی باعث حرکت کشتی به سمت مقصد باشد از آن تعبیر به «رِيحٌ طَيِّبَةٌ» (باد ملایم و فرح‌بخش) شده است:

﴿وَجَرَيْنَ بِهِمُ رِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا﴾ (یونس/۲۲)

«بادی ملایم و فرح‌بخش آن‌ها را به طرف مقصد ببرد و خوشحال شوند»

آنجا که باد به امر خدا از وزیدن امتناع کند و باعث متوقف شدن کشتی بر روی دریا

گردد از آن تعبیر به «يُسْكِنُ الرِّيحَ» (سکون باد) شده است:

﴿إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظَلُّنَّ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ﴾ (الشوری/۳۳)

«اگر خدا بخواهد باد را که وسیله حرکت کشتی‌ها است فرو می‌نشاند و کشتی‌ها در وسط اقیانوس‌ها از حرکت باز می‌ایستند»
و آنجا که بادهای دریائی غرق‌کننده، شکننده و کُشنده باشند از آن تعبیر به «قاصِفاً مِنْ الرِّيحِ» (طوفان‌های شدید و شکننده) شده است:

﴿فَيُرْسِلْ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغَرِّقَكُم بما كَفَرْتُمْ﴾ (اسراء/۶۹)

«تا خداوند از بادهای شکننده و کشنده بفرستد و شما را و کشتی شما را خرد نموده و غرقتان سازد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۱۳/۱۳)

نمونه دیگر از بادهای غرق‌کننده دریائی تعبیر به «رِيحٌ عاصِفٌ» (تند باد) شده که همراه با امواج سهمگینی است که از هر طرف به انسان هجوم می‌آورد آنچنان که مرگ را با چشم خود ببیند:

﴿جاءتْها رِيحٌ عاصِفٌ و جاءَهُمُ المَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾ (یونس/۲۲)

بر طبق آیات فوق مرگ و هلاکت سرنشینان کشتی گاهی با سکون باد و متوقف‌شدن کشتی در وسط اقیانوس‌ها است؛ و گاهی با طوفان‌های سهمگین است که کشتی را با سرنشینانش در هم می‌کوبد. در واقع همه این نوع بادهای دلالت بر این دارد که وزش بادهای یکی از عوامل مؤثر در حرکت و جریان کشتی‌ها است.

نتیجه بحث

در قرآن کریم تنها از یک نام برای کشتی استفاده نشده بلکه نام‌های متعددی برای آن ذکر شده است، که این موضوع ممکن است در ظاهر دلالت بر یک معنای واحد داشته باشد ولی با بررسی علمی و لغوی و همچنین بر اساس سیاق آیات مشخص می‌شود که هر کدام از این نام‌ها از نظر فنی و کاربردی و بافت متنی می‌تواند معنای خاصی را به مخاطب القاء نماید؛ به طوری که بدون در نظر گرفتن آن‌ها، علت اختلاف این نام‌ها همچنان مبهم باقی خواهد ماند. با بررسی و رویکرد جدیدی که در این مقاله به آن اشاره شده زوایای پنهان دیگری از اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت واژگان نمایان می‌گردد به طوری که در صورت جایگزینی هر یک از این نام‌ها، ممکن است تصویر و معنای متفاوتی از متن مورد نظر ارائه شود که خیلی دقیق و مطابق با واقع نباشد.

همچنان که ریشه‌یابی فنی و علمی این نام‌ها افق جدیدی از دقت، فصاحت و زیبایی تصویرپردازی قرآن را نسبت به امور دریا و دریانوردی نشان می‌دهد که حکایت از اعجاز علمی قرآن حتی در نوع انتخاب واژگان دارد. نکته دیگر اینکه با توجه به معانی عمومی و کاربردی چهارم نام مختلف نامبرده برای کشتی در قرآن، همه نوع کشتی‌های ساخته‌شده چه در گذشته و حال و یا آینده را در بر خواهد گرفت و البته آنچه بیش از همه حائز اهمیت بوده نگاه معرفتی و خداشناسی آیات مرتبط با مباحث کشتی و دریانوردی است که خود بحث و تحلیلی مستقل می‌طلبد.



کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم. بی تا، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن أحمد. بی تا، **تهذیب اللغة**، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- امینی، عبدالحسین. ۱۹۷۷م، **الغدیر**، چاپ چهارم، بیروت: دار الکتب العربی.
- انصاری خوشابر، مسعود. ۱۳۷۷ش، **ترجمه قرآن**، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- بستانی، فؤاد افرام. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ ابجدی**، چاپ دوم، تهران: اسلامی.
- خواجوی، محمد. ۱۴۱۰ق، **ترجمه قرآن**، تهران: انتشارات مولی.
- دهلوی، شاه ولی الله. ۱۴۱۷ق، **ترجمه قرآن**، مدینه: ملک فهد لطباعة المصحف الشریف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. بی تا، **مفردات ألفاظ القرآن الکریم**، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران. ۱۳۸۳ش، **ترجمه قرآن**، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دار الذکر.
- سراج، رضا. بی تا، **ترجمه قرآن**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تصحیح احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- عمید، حسن. ۱۳۸۹ش، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ اول، تهران: راه رشد.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. بی تا، **العین**، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۹۸۳م، **بحار الأنوار**، تحقیق محمد باقر بهبودی و عبد الرحیم ریانی شیرازی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصطفوی، حسن. بی تا، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسی، حسین یوسف. **الإفصاح**، چاپ چهارم، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

مقالات

- آبین، حسن و دشتی منش، عباس و محمودی، امین. ۱۳۹۴ش، «**شناورهای بادیانی**»، چهارمین همایش ملی توسعه دانایی محور، بوشهر.

پژوهشی علمی بر وجه تسمیه واژگان قرآنی کشتی (فُلک، سفینه، جاریه، ماخره) / ۳۱

خراشاد، محمد و محمدآبادی، محمد و قره‌باش، ابوبکر. ۱۳۹۱ش، «نقش انرژی باد در صنعت کشتی‌سازی»، دومین همایش ملی انرژی باد و خورشید، تهران.

سایت‌های اینترنتی

[https://wiki.marin.nl/index.php/Coordinate systems.](https://wiki.marin.nl/index.php/Coordinate%20systems)
[http://www.ghatreh.com/news/nn6275879.](http://www.ghatreh.com/news/nn6275879) (۸۹/۸/۱۵)
[http://www.persianacademy.ir/fa/word.](http://www.persianacademy.ir/fa/word)

